

## تحلیل فقهی تعامل عروس و مادر همسر در خانواده

فاطمه برهانی<sup>۱</sup>، صدیقه محقق<sup>۲</sup>

### چکیده

انسان با ازدواج کردن وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شود که به دنبال آن روابط جدیدی برای او ایجاد می‌شود. این روابط جدید گاه باعث پیشرفت و گاه باعث ایجاد مشکل در زندگی وی می‌شود. از روابطی که در آن مشکل دیده می‌شود روابط عروس و مادر همسرش است. آشفتگی در روابط عروس و مادرشوهر از قدیم‌الایام و در فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف و در ایران متداول بوده است. از آنجاکه تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه فقهی تعاملات عروس و مادر همسر نوشته نشده است نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به عروس‌های جوان و مادرشوهرها در ایجاد تعاملات مناسب در روابطشان و تأثیر آن بر روابط زناشویی زوجین کمک کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در محدوده فقه و تربیت اسلامی و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دخالت مادرشوهر اگر از نوع مثبت باشد یعنی، به‌انگیزه نصیحت و خیرخواهی، اصلاح ذات‌البین، امریه معروف و نهی‌ازمنکر و مشاوره باشد دخالت جایز است. اگر دخالت مادرشوهر از قسم منفی باشد؛ یعنی به‌انگیزه ورود به حریم خصوصی، افشای اسرار و عیوب پنهانی عروس، تجسس و سوءظن و اذیت و آزار عروس باشد این‌گونه دخالت‌ها جایز نیست.

**واژگان کلیدی:** تعامل، عروس، مادرشوهر، دخالت، زوجین.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: borfat65@gmail.com ORCID ID: 0000000198289970

۲. دانش‌پژوه سطح چهار فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه قم، ایران.

Email: smohagheg0h22@gmail.com ORCID ID: 0000000196534477

## ۱. مقدمه

بنیان خانواده یکی از محبوب‌ترین بنیان‌ها نزد خداوند متعال و از اساسی‌ترین نهادها در جامعه است. بطن خانواده که محل سکون و آرامش زوجین است گاهی در اثر دخالت اطرافیان دچار تنش و مشکل می‌شود. جامعه‌شناسان معتقد هستند یکی از ده عامل اصلی طلاق که ۲۷٪ طلاق‌ها را شامل می‌شود دخالت اطرافیان در زندگی زوجین است. (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۲۰۸) یکی از مهمترین رابطه‌ها پس از ازدواج رابطه عروس و مادرشوهر است که در جامعه به صورت رابطه‌ای سخت جا افتاده است. بنابراین، ضروری است که برای حل مشکل موجود تحقیقی صورت بگیرد. هدف از نوشتار حاضر آگاه‌سازی زوجین جوانی است که در ابتدای زندگی با تزلزل روابط مواجه می‌شوند. همچنین آگاهی افراد جامعه نسبت به تعامل عروس و مادرشوهر از نظر فقه و ارائه راهکارهایی برای حل مشکل موجود است. تحقیق حاضر در محدوده فقه، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. در مورد تعامل عروس و مادرشوهر کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است مانند کتاب مهارت‌های ارتباط موفق با مادرشوهر نوشته مسلم رادمنش (۱۳۹۵). پایان‌نامه پیش‌بینی رابطه عاطفی عروس و مادر همسر براساس متغیرهای راهبردی مقابله‌ای، هوش هیجانی و جرأت‌ورزی از فاطمه خسروانیا (۱۳۹۲). مقاله بررسی روابط عروس و مادرشوهر نوشته محمد سبحانی‌نیا (۱۳۹۴). هیچ‌یک از این منابع به تحلیل فقهی این مسئله نپرداخته است. برای روشن شدن موضوع مذکور باید به سؤال اصلی، تحلیل فقهی تعامل عروس و مادرشوهر در زندگی چیست، پاسخ داده شود و به دنبال آن به سؤالات فرعی مانند دخالت به چه معناست؟ حکم فقهی دخالت دیگران در زندگی زوجین چیست و تعامل عروس و مادر شوهر چگونه ایجاد می‌شود پاسخ داده شود.



## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. فقه

فقه در لغت چهار معنا دارد: اول، مطلق علم و آگاهی که نظر بسیاری از لغت‌شناسان همین معناست. (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۲۷/۳)؛ دوم، مطلق فهم که این معنا را لغت‌شناسان در ماده فقه آورده‌اند (جوهری، ۱۴۰۴، ۲۲۴۳/۶)؛ سوم، فطانت و تیزفهمی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۰۶/۱۰) و معنای چهارم، فهم همراه با دقت و تأمل است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۲۳/۸). فقه از نظر اصطلاحی در علم اصول این‌گونه تعریف شده است: «العلم بالاحکام الشرعیه العمليه المكتسب من ادلتها التفضیلیه؛ فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل‌های تفصیلی آنهاست» (صدر، ۱۴۲۹، ص ۱۴۶؛ عاملی، ۱۳۶۲، ص ۲۲).

### ۲-۲. تربیت

تربیت در زبان فارسی به معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ۵۵۰/۱۴) تربیت در زبان عربی از دو ریشه «ربب» و «ربو» گرفته شده است. ریشه اول به معنای نمو و زیاد شدن یا سرپرستی برای تغذیه و رشد دادن و به ادب خاصی رساندن و ریشه دوم به معنای اشراف داشتن، تهذیب نمودن و رشد قوای جسمی، عقلی و اخلاقی است (بناری، ۱۳۸۳، ص ۵۹). تربیت در اصطلاح، فرآیند کمک‌رسانی به مربی برای ایجاد تغییرات تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای اوست (اعرافی، ۱۳۸۷، ۲۸۸).

### ۳-۲. تعامل

تعامل در لغت به معنی با یکدیگر دادوستد کردن است: «تعامل القوم؛ آن قوم با هم دادوستد کردند» (بستانی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸). در اصطلاح روان‌شناسی (intraction) به ارتباط متقابل میان دو یا چند فرد یا گروه یا سامانه، تعامل یا برهم‌کنش می‌گویند (<https://kalamejou.com>). عمل

انسان تنها برحسب نیات و برنامه‌های او انجام نمی‌گیرد، بلکه باید نیات، برنامه‌ها و واکنش‌های احتمالی اشخاص دیگر نیز در نظر گرفته شود. تعاملات در سطح جامعه و روابط فردی و اجتماعی مصادیق گوناگون دارد مانند تعامل عروس و مادرشوهر.

## ۲-۴. دخالت

کلمه دخل و مشتقات آن مانند کلمه دخالت در عربی و فارسی معانی زیادی دارد که بیشترین معنی مربوط به داخل شدن است که آن را نقیض خروج می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۶) دخالت در لغت فارسی به داخل شدن، مداخله کردن و وارد شدن فرد در کاری که به او ارتباط ندارد، گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۴۱، ۱۰۴۸۹/۷). دخالت در اصطلاح، دخالت چیزی خارج از معنای لغوی آن نیست (طباطبایی حائری، ۱۳۶۶، ۲۲۶/۳). مداخله‌گر کسی است که در کار دیگران بی‌هیچ حقی و بی‌اجازه آنها دخالت و دست‌اندازی می‌کند (دهخدا، ۱۳۴۱، ۲۰۱۵۱۸/۱۳). در ارتباطات اجتماعی نیز بسیار دیده می‌شود که فرد مداخله‌گر بدون هیچ حقی در امور دیگران که ربطی به او ندارد برای تحمیل اراده خود و سلب اختیار و تصمیم‌گیری آزادانه آنها دخالت و مشکلات و تنش‌های زیادی در زندگی افراد ایجاد می‌کند. این‌گونه دخالت‌ها به دلیل تأثیر منفی بر زندگی افراد حکم فقهی دارد. در نوشتار حاضر دخالت به این معناست که فرد در امور دیگران بدون هیچ حقی دست‌اندازی کرده و به وسیله عناصر اجبار و تحمیل اراده در زندگی زوجین دشمنی و فساد ایجاد کند (محقق، ۱۳۹۹).

## ۳. رابطه عروس و مادر همسر

در دین اسلام، ازدواج و خانواده محبوب‌ترین: «ما بنی فی الاسلام احب الی الله من التزویج» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳/۱۴) و عزیزترین: «بناء احب الی الله و اعز من التزویج» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۲۲/۱۰۰) بنیان بشری نزد خداوند متعال است. رسول اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «درهای آسمان هنگام بروز چهار پدیده گشوده می‌شود که دو مورد از آنها مربوط به خانواده است: وقتی عقد ازدواج برگزار می‌شود و هنگامی که فرزند به چهره والدین خود نگاه می‌کند» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۲۱/۱۰۰). پس از



ازدواج گستره وسیعی از روابط اجتماعی سببی و نسبی برای زوجین شکل می‌گیرد که در قرآن به آن اشاره شده است: «و هو الذی خلف من المء بشرأ فجعله نسبأ وصهرأ» (فرقان: ۵۴) که بخش عظیمی از این روابط شامل رابطه عروس و مادرشوهر است. این رابطه در جوامع و ملیت‌های گوناگون به صورت‌های مختلف دیده می‌شود که به شکل مادرشوهرسالاری است. در جوامع گذشته مرسوم بود بسیاری از عروس‌ها بعد از ازدواج با خانواده همسر زندگی کنند و این رابطه پربارتر و واضح‌تر بود.

در جوامع کنونی با ازبین رفتن برخی سنت‌ها و استقلال طلبی جوانان، کمتر عروسی حاضر به زندگی مشترک با خانواده همسر به‌ویژه مادرشوهر می‌شود، اما با این وجود هنوز هم رابطه مادرشوهرسالاری در بین خانواده‌ها و جوامع سنتی دیده می‌شود. پس از ازدواج در برخی خانواده‌ها عدم اطمینان عروس از این نظر وجود دارد که نمی‌داند با زنی که قدرت زیادی دارد و عروس را مغلوب و مطیع خود می‌خواهد چگونه ارتباط برقرار کند. وجود چنین احساسی در ارتباطات بین عروس و مادرشوهر شکلی از رابطه را ایجاد می‌کند که باعث اختلافات زناشویی می‌شود. مادرشوهر به دلیل نزدیک شدن خیلی زیاد پسر به عروس، احساس طرد شدن دارد و نوعی بحران روحی عاطفی برایش ایجاد می‌شود و سعی می‌کند به وسیله رفتارهایی که با عروسش دارد پسرش را کنترل کند. این رفتارها و احساسات وی باعث ایجاد تعارض و مشکل در زندگی زوجین جوان می‌شود. بنابراین، مشاجرات و اختلافات بین عروس و مادرشوهر شروع می‌شود. عروس حرف‌ها و اعمال مادرشوهر را دخالت در زندگی‌اش می‌داند و مادرشوهر انتظار دارد که عضو جدید خانواده احترامش را نگه دارد و جایگاه خاصی برای وی قائل شود.

از نظر روان‌شناختی حتی اگر تعارضات بین این دو نفر در کمترین حد خود باشد باز هم نوعی گسست بین آنها وجود دارد. برخی از روان‌شناسان اجتماعی دلیل این گسست را در نوعی اختلاف افکار و رفتار بین نسل‌ها می‌دانند که این اختلاف سلیق و خواسته‌ها باعث ایجاد تعارض بین عروس و مادرشوهر می‌شود. به‌طور معمول، عروس‌ها از بی‌احترامی مادرشوهر، به رسمیت نشناختن آنها و دخالت‌های نابه‌جا در زندگی زن و شوهر شکایت دارند و مادرشوهرها هم از

بی تجربگی و غرور عروس و بی توجهی به شوهر و آشفتگی خانه و گوش سپردن مدام به حرف‌های مادر و اطرافیانش گله دارند. در اینجا برخی از مادرشوهرها با گمان خیرخواهی، سعادت و خوشبختی فرزندان به خود اجازه می‌دهند که در زندگی فرزندشان دخالت کنند تا تجارب و راهنمایی را در اختیار آنها قرار دهند، ولی در بیشتر مواقع تأثیر این دخالت‌ها منفی بوده و به مرور زمان مشکلات زوجین بیشتر شده تا حدی که باعث طلاق زوجین می‌شود. (عباس پور، ۱۴۰۰)

### ۳-۱. اقسام دخالت‌های مادرشوهر در امورات عروس

دخالت مادرشوهر در زندگی عروس به دو نوع دخالت مثبت و منفی تقسیم می‌شود. دخالت منفی دخالتی است به قصد تحمیل اراده خود بر عروس و سلب قدرت تصمیم‌گیری و اختیار عروس. بسیاری از این دخالت‌های منفی و نابه‌جا باعث بروز اختلاف در زندگی زوجین و تیره‌وتار شدن روابط بین آنها شده و احتمال طلاق را افزایش می‌دهد. (محقق، ۱۳۹۹) این دخالت‌ها براساس ادله قرآنی، روایی، عقل و فتاوی مراجع عظام، منع شده و مادرشوهر حق دخالت منفی و نابه‌جا در زندگی عروس را ندارد. این امر را نمی‌توان کتمان کرد که حضور والدین و کمک و همیاری آنها چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج مؤثر و مفید است چه بسا کمک‌های مالی والدین، دلگرمی و راهنمایی آنها در همان ابتدای زندگی زوجین جوان کمک زیادی به زوجین کرده و مسیر زندگی را برای آنها هموار می‌کند تا در ادامه زندگی در مسیر درست گام برداند و به قله ترقی و سعادت برسند که این از نوع دخالت مثبت است.

### ۳-۲. حکم اولیه دخالت مادرشوهر در امورات عروس

در حقوق بین‌الملل اصلی آمده است: «اصل در مداخله بر نامشروع بودن آن است؛ زیرا تجاوز به استقلال و حاکمیت دولت‌هاست.» (ابوهیف، ۱۹۹۲، ص ۲۱) این اصل را می‌توان در اجتماع کوچک‌تر مانند خانواده پیاده کرد و گفت اصل اولیه بر دخالت در زندگی دیگران، نامشروع بودن آن است. بنابراین، مادرشوهر حق دخالت در امورات عروس را ندارد، ولی هر اصلی می‌تواند استثنایی داشته باشد مانند اصل عدم مداخله.



۳-۳. ادله عدم دخالت مادر همسر در امورات عروس

۳-۳-۱. آیات قرآن

- آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَيَّ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی جز خانه خودتان وارد نشوید مگر آشنایی دهید و اجازه بگیرید. بر اهل آنها سلام کنید. این به خیر شماست باشد که پند بگیرید و اگر کسی را در خانه‌ها نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد برگردید، بازگردید که برای شما پاکیزه‌تر است». طبری معتقد است: «وقتی با اجازه وارد شوید در آن صورت بدون آگراه وارد خانه کسی شده‌اید. در آن صورت حق خداوند را نیز در تحصیل اجازه و سلام ادا کرده‌اید» (طبری، ۱۴۱۲، ۱۴۹/۱۸). مصلحت این حکم در اجازه قبلی برای ورود به یک خانه، احترام به حریم خصوصی دیگران است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۰۹/۱۵). حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی فرد است که وی نوعاً یا عرفاً و یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشود یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند و یا به هر صورت، وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار نگیرد (مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۳).

احترام به حریم خصوصی دیگران در فقه امامیه و اسلام تأکید شده است. ورود به حریم خصوصی دیگران خواسته یا ناخواسته موجب آشکار شدن زشتی‌های پنهان آنها می‌شود و دیگر اشخاص نمی‌توانند مثل قبل در جایگاه اجتماعی خود باشند. خداوند همان‌طور که خود ساتر العیوب بندگانش است از مؤمنان نیز خواسته که چنین باشند. بنابراین، در اسلام از ورود افراد به حریم خصوصی دیگران منع شده است، پس مادرشوهر نمی‌تواند در امورات عروسش دخالت کند؛ زیرا با دخالت کردن، وارد حریم خصوصی او می‌شود که شارع افراد را از این کار منع کرده است.

- آیه ۱۲ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهِ تَوَاتُبٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد. از آن کراهت دارید (پس) از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر و مهربان است.»

منظور از عبارت «كثيراً من الظن» گمان‌های بد و گمان‌های خوب است و آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان‌های بد است؛ یعنی وقتی کسی گمان بدی به فردی داشته باشد به آن بی‌اعتنایی کند و هیچ تغییری در رفتار و گفتار خود نداشته باشد؛ زیرا خطور گمان‌های بد گاهی بی‌اختیار یا گاهی واقعی است، اما راه فرار از آن گناه این است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ فِي الْمُؤْمِنِ وَلَهُ مِنْهَا مَخْرَجٌ فَمَخْرَجُهُ مِنْ شَوْءِ الظَّنِّ أَنْ لَا تُحَقِّقَهُ؛ سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست و راه فرار دارد از جمله: سوءظن است که راه فرارش این است که به آن جامه عمل نیوشان» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ۲۶۹/۵). در اسلام داشتن سوءظن نسبت به دیگران که مقدمه دخالت در زندگی آنها و باعث ایجاد بسیاری از دشمنی‌ها، حسادت‌ها و بدبینی‌ها می‌شود، نهی شده است. بنابراین، اگر مادرشوهر از عروسش رفتار یا حرفی شنید و گمان بدی در ذهنش پدید آمد براساس دستور شرع نباید به آن گمان بد جامه عمل بیوشاند و نسبت به آن گمان بی‌اعتنایی کند. در مورد عروس نیز چنین راهکاری قابل ارائه است.

در ادامه آیه، از تجسس نهی شده است. تجسس یعنی، جست‌وجو کردن، بررسی کردن، تحقیق کردن، جاسوسی کردن، خبر جستن، کسب خبر و خبرجویی، نگاه کردن از سر کنجکاوی برای شناسایی دیگران و تفتیش از باطن امور و تتبع خبر که بیشتر در مورد شر به کار می‌رود. (آذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۸۵) این آیه مؤمنان را از سه گناهی که علت و معلول یکدیگر هستند و رابطه تنگاتنگی باهم دارند نهی کرده است؛ اول، سوءظن؛ دوم، تجسس و سوم، غیبت که منشأ اولیه آنها سوءظن است. وقتی مادرشوهر یا عروس به فرد مقابل خود بدگمان باشد برای به قطعیت رساندن ظن خود شروع به تجسس در زندگی او می‌کند و این تجسس باعث آشکار شدن اسرار و عیوب پنهانی او می‌شود. وقتی نوبت به گفتن و افشای این عیوب پنهانی نزد دیگران برسد گناه





بزرگ غیبت از او سر می‌زند. این نهی بی‌قید و شرط در آیه در قالب قاعده‌ای کلی، اصل بر حرمت تجسس می‌کند، البته تجسس در شرایط، موارد و اهداف خاصی از حرمت خارج شده است مثل تجسس نیروی انتظامی برای امنیت عموم مردم و ... .

آیه ۵۸ سوره احزاب: «وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بغيرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا؛ و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند، آزار می‌دهند بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند». آیه به صراحت درصدد بیان این مطلب است که اگر کسی بدون هیچ جرم و گناهی درصدد اذیت و آزار مردان و زنان مؤمن باشد مرتکب گناه و افترای آشکار شده است. برای اذیت و آزار می‌توان مصادیق مختلفی آورد از جمله: تجاوز به حقوق و حریم دیگران، توهین، افشای اسرار آنها، تحقیر و سبک شمردن شخص، مسخره کردن، بددهنی و ناسزاگویی و به‌جا نیاوردن حق و حقوق دیگران (دهنوی، ۱۴۰۱). چه بسا اطرافیان مانند مادرشوهر با نیت خیرخواهی و کمک در امور عروس دخالت کرده و ناخواسته باعث افشای عیوب و تحقیر وی شود و موجبات آزار و اذیت عروس را فراهم کند. ناگفته نماند که مادرشوهرانی هستند که از روی عمد و غرض به دنبال اذیت و آزار عروس خود هستند. برخی از آنها وقتی خودشان تازه عروس شده بودند مورد آزار و اذیت از طرف مادرشوهر قرار گرفته بودند و اکنون با عروس خود آن رفتارها را انجام می‌دهند و عده‌ای به دلیل بحران عاطفی، رقابت و چشم‌وهم‌چشمی با عروس خود به دنبال اذیت و آزار او هستند که شارع مقدس به‌طور صریح، رفتار آنها را نهی کرده است.

۳-۳-۲. روایات

پیامبر اکرم ﷺ در مورد لزوم رعایت حریم خصوصی دیگران می‌فرماید: «مَنْ اَطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارُ؛ کسی که به خانه همسایه‌اش سرک بکشد و عورت مرد یا قسمتی از بدن زنی را نظاره کند سزاوار است که خداوند او را داخل آتش کند». (مجلسی، ۱۴۱۰، ۳۷/۱۰۴) ایشان در مورد استراق سمع که از مصادیق ورود به حریم خصوصی دیگران است، می‌فرماید: «هرکس که به مکالمات دیگران درحالی که راضی نیستند گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب داغ ریخته می‌شود» (جرعاملی،

۱۴۰۹، ۲۱/۱۲). زندگی مشترک زوجین هم حریم خصوصی آنهاست و در آن محدوده، زوجین رابطه‌ها و اسرار پنهانی دارند که دیگران از جمله مادرشوهر حق ورود و دخالت در آن را ندارد. در اجتماع کنونی نیز این‌گونه جستجوگری‌ها در زندگی افراد جامعه دیده می‌شود. جستجوی مادرشوهر در زندگی عروس و پسرش چه با نیت خیرخواهانه و چه با نیت شر، خواسته یا ناخواسته زمینه دشمنی، کینه‌ورزی و نفرت را در زندگی زوجین فراهم می‌کند که با ادامه دادن آن باعث فروپاشی زندگی آنها می‌شود. در امام صادق علیه السلام در مورد حرام بودن آزار و اذیت دیگران می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مَنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ؛ خداوند فرمود: کسی که بنده مؤمن مرا اذیت کند به من اعلان جنگ می‌دهد» (کلینی، بی تا، ۳۵۰/۲). در روابط خانوادگی و رابطه عروس و مادرشوهر فاش کردن اسرار از عوامل اصلی اختلاف و تنش در زندگی زوجین است که شروع آن با دخالت هر یک در حریم خصوصی دیگری است.

فاش کردن اسرار و ورود به حریم خصوصی دیگران از مصادیق اِیْذَاءِ مؤمن است که با دخالت نابه‌جا و ورود به حریم خصوصی دیگری بدون اذن وی مقدمه‌ای برای ایجاد تنش و مشکل برای زندگی دیگران است. با آوردن دلایل روایی، حکم بر عدم مشروع بودن دخالت مادرشوهر در امورات عروس داده می‌شود. اگرچه از نظر فقهی وظیفه خاصی برعهده مادرشوهر و عروس نسبت به یکدیگر نیست و وظیفه آنها همسان با وظایف دختر نسبت به مادرش یا مادر نسبت به دخترش نیست، اما از نظر اخلاقی اگرچه در دین اسلام، همه انسان‌ها وظیفه دارند که خیرخواه هم باشند و اساس و معیار روابط آنها بر اصل محبت، تعاون و همکاری باشد، اما این وظیفه در مورد سؤال، دوصد چندان می‌شود؛ زیرا شکی نیست که ارتباط مادرشوهر و عروس، همسان با روابط مردم عادی نیست و این دو به دلیل خویشاوندی سببی باید نسبت به یکدیگر محبت بیشتری داشته باشند. گاهی نبود رابطه محبت‌آمیز و عاطفی بین عروس و مادرشوهر باعث آزار و اذیت شوهر یا اذیت شوهر نسبت به مادرش می‌شود که اینها از طرف خداوند و شارع مقدس نهی شده است. براساس آموزه‌های دینی، در روابط همه انسان‌ها به‌ویژه مادرشوهر و عروس باید این اصل حکم فرما باشد که: «بر مردم بیسند آنچه را بر خود می‌پسندی»؛ یعنی عروس باید نسبت به



مادرشوهرش همان رفتاری را داشته باشد که دوست دارد در آینده اگر عروسی گرفت عروسش با او داشته باشد. مادرشوهر نیز همان گونه با عروسش رفتار کند که اگر عروس خانواده‌ای بود دوست می‌داشت مادرشوهرش با او همان رفتار را داشته باشد (بی‌نام، [www.islamquest.net](http://www.islamquest.net)).

### ۳-۳-۳. عقل

حفظ کرامت، احترام و عدم تحقیر انسان‌های دیگر از وظایف اخلاقی انسان‌هاست که بنا به دلیل عقلی، هیچ انسانی حق ولایت و سلطه بر انسان دیگر را ندارد مگر دلیل خاص بر سلطه و ولایت بر دیگری وجود داشته باشد و از زیرنظر گرفتن دیگران، تفحص در امور پنهانی، افشای اسرار و عیوبشان نفی شده است. هر انسانی ممکن است در خلوت خود کارهایی انجام دهد که از انجام آنها در بین جمع دوری می‌کند. بنابراین، اگر فردی با تجسس و ورود به حریم خصوصی دیگران باعث تحقیر و هتک حرمت و کرامت فرد دیگر شود بنابه حکم عقل و از نظر اخلاقی نیز جایز نیست. در مورد عدم تسلط فردی بر دیگری خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطٍ؛ و تو بر آنها تسلطی نداری» (غاشیه: ۲۲). در مورد تسلط بر دیگران و دخالت در امور آنها حکم اولیه، ممنوعیت است مگر دلیلی بر سلطه وجود داشته باشد. خداوند می‌فرماید: «از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده، پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان و اگر خدا می‌خواست آنان شرک نمی‌آوردند و ما تو را برایشان نگهبان نکرده‌ایم و تو کارگزار آنان نیستی» (انعام: ۱۰۷-۱۰۶). اصل عدم سلطه یعنی، عدم سلطه کسی بر دیگری یا سلطه یک جامعه بر جامعه دیگر تعبیر دیگری مثل اصل عدم ولایت و عدم سلطه کسی بر دیگری و یا اصل عدم سلطنت نیز برای این اصل به کار برده می‌شود. مهمترین دلیل این قاعده، عقل و روایت معروف: «بنده دیگری مباش درحالی که تو را آزاد آفرید» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۷) است. سیره و روش همه عقلای عالم بر این بوده و هست که هر فردی در مال و امور خود آزاد است و دخالت دیگری را بدون رضایت بر نمی‌تابد (شیرازی، بی‌تا، ص ۲۴۵). این اصل در زندگی زوجین و روابط خانوادگی آنها و رابطه عروس و مادرشوهر نیز جاری می‌شود و مادرشوهر بدون دلیل حق تسلط و دخالت بر عروس و امورات او را ندارد.

### ۴-۳. ادله جواز دخالت مادر همسر در امورات عروس

#### ۳-۴-۱. دخالت با نیت نصیحت و خیرخواهی

خیرخواهی یعنی، خواستن خیر و خوبی برای دیگران. در اسلام، انسان منزلت والایی دارد. خیرخواهی گاهی با نصیحت هم معناست و نصیحت یعنی، درخواست عمل یا سخنی که مصلحت کننده آن کار و گوینده آن سخن را در پی داشته باشد یا دعوت به آنچه که صلاح مخاطب در آن باشد و نهی از چیزی که تباهی و فساد در پی دارد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷) بنابراین، مادرشوهر در زندگی زوجین اگر به قصد خیرخواهی و کمک، عروس را نصیحت کند دخالت به حساب نمی‌آید. خیرخواهی فقط توصیه اخلاقی نیست، بلکه وظیفه‌ای دینی و شرعی است که بر همه لازم است در همه حال خیرخواه برادران مؤمن خود باشد. در زندگی زوجین جوان که تجربه و آگاهی کافی نسبت به راز و رمزهای زندگی و آسیب‌های آن ندارند و از طرفی تجربه کردن امورات زندگی هم وقت‌گیر است و هم گاهی آسیب‌زا است، پس بر والدین و مادرشوهر لازم است که آگاهی‌ها و تجارب خود را در اختیار عروس خود قرار دهد و بر آنان لازم است به راهنمایی و نصیحت زوجین جوان و کم تجربه همت گمارند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ بَصُرَكَ عَيْتَكَ فَقَدْ نَصَحَكَ؛ کسی که عیب تو را به خودت نشان بدهد مسلماً او دلسوز و خیرخواه توست» (تمیمی، ۱۳۹۵، ص ۳۸۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَنصَحَهُ؛ بر مؤمنان واجب است که همواره خیرخواه و پنددهنده یکدیگر باشند» (کلینی، بی تا، ۲۹۶/۳). بنابراین، مادرشوهر چون مادری دلسوز و مهربان در راستای خیرخواهی و نصیحت عروسش به گونه‌ای که احترام، کرامت و اختیار عروسش حفظ شود در مواقع لازم جایز است در امورات عروس دخالت کند.

#### ۳-۴-۲. مشاوره و حکمیت

حکمیت به معنای داوری در رفع اختلافات است و حکم را به معنای منع گفته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۹۲/۱) مشاوره اصطلاحی است که فعالیت‌هایی مانند مصاحبه کردن، آگاهاندن و مشورت کردن را شامل می‌شود. مشاوره، جریان یادگیری است که با رابطه بین دونفر انجام می‌گیرد



(شفیع آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۰). در میدان دعوا و اختلاف هر یک از طرفین دعوا حق را از آن خود دانسته و فرد مقابل را غاصب حق می‌داند، ولی در اینکه مسئله مورد نزاع باید حل شود، اختلافی ندارند. داور و مشاور باید توانایی و شرایط لازم برای حل نزاع و اختلاف زوجین را داشته باشند. والدین نسبت به هر کس دیگری آشنایی بیشتری با فرزندان خود و حالات روحی-روانی و ویژگی‌های آنها دارند و باعث دلگرمی فرزندانشان می‌شوند و از حقوق آنها به طور کامل دفاع می‌کنند و نسبت به افراد غریبه دلسوزتر هستند، پس مادرشوهر نیز می‌تواند در قالب یک مشاور دلسوز در زمان اختلاف و نزاع بین زوجین جوان از طرف یکی از طرفین دعوا داوری کند؛ زیرا هیچ مادرشوهری آرزوی خراب شدن زندگی پسرش را ندارد و تمام تلاش خود را برای حفظ زندگی فرزندش به کار می‌برد.

### ۳-۴-۳. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهمترین واجبات در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است و بر وجوب آن آیه شریفه قرآن دلالت می‌کند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از شما گروهی باشند که به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازدارند و آنان رستگارانند». (آل عمران: ۱۰۴) باتوجه به مقتضای کلمات معروف و منکر، عمومیت و فراگیری مصادیق آن قابل اثبات است؛ یعنی وجوب امر کردن به هر معروفی و نهی کردن از هر منکری که اصلاح و آشتی دادن بین زوجین از مصادیق معروف و قهر، اختلاف و ناسازگاری بین زوجین امری منکر و ناپسند است. در آیه دیگر در مورد این واجب اسلامی در سطح خانوادگی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و بستگان خود را از آتش نگاه دارید» (تحریم: ۶). باتوجه به مسئولیت اطرافیان زوجین و مادرشوهر نسبت به فرزند و عروسش در صورت دیدن رفتارهای ناهنجار و منکر یا ترک امر معروف در هر یک از زوجین می‌تواند برای امر به معروف یا نهی از منکر در امور آنها دخالت کند و درصدد نهی آنها از عمل منکر یا امر آنها به فعل معروف برآید.

## ۳-۴-۴. اصلاح ذات‌البین

اصلاح ذات‌البین در اصطلاح یعنی، اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و آزمایش بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق. (شریعت‌مداری، ۱۳۷۵، ۶۲۲/۲) خداوند در قرآن صلح و برادری را از نشانه‌های ایمان دانسته و برای حفظ جامعه اسلامی و حمایت از جان، مال و آبروی مؤمن، حفظ صلح و برادری و عدم هتک حرمت اشخاص را امری امتناع‌ناپذیر می‌داند. در مورد اصلاح ذات‌البین در قرآن آمده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا فَاِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرِي فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ و اگر دو طایفه از مؤمنان باهم بجنگند میان آن دو را اصلاح کنید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آنکه تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد، پس اگر بازگشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد» (حجرات: ۹). امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «من از جد شما (خطاب به فرزندان) پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک‌سال برتر است» (دستی، ۱۳۹۲، نامه ۴۷). این حدیث به اهمیت این موضوع اشاره دارد و آن را یکی از بهترین عبادات می‌داند. بنابراین، حفظ و بقای روابط محبت‌آمیز بین زوجین و آشتی دادن به دلیل خصومتی که بین آنها ایجاد شده است یک ضرورت است؛ زیرا زندگی همراه با آرامش و سکون جز در سایه تعاون و تفاهم امکان‌پذیر نخواهد بود و اگر مشاجرات و اختلافات حل نشود، ریشه این نزاع‌ها در دل‌ها نفوذ می‌کند و کم‌کم موجب ازهم پاشیدن کانون گرم خانواده می‌شود، پس مادرشوهر می‌تواند با نیت اصلاح ذات‌البین برای صلح و آشتی دادن زوجین در زندگی آنها ورود کند.

## ۴. نتیجه‌گیری

برای برقراری تعامل بین عروس و مادرشوهر باید بحث دخالت و داشتن حریم خصوصی به صورت مفصل بیان شود؛ زیرا بیشتر عروس‌ها به بهانه زندگی خصوصی اجازه ورود در زندگی زناشویی خود را به هیچ‌کس به‌ویژه مادر همسر نمی‌دهد. از طرف دیگر، مادرشوهر به بهانه دلسوزی و بی‌تجربه



بودن زوجین توقع دارد در همه امورات زندگی آنها وارد شود. برای ایجاد تعامل بین این دو فرد باید در گام اول، حکم اولیه دخالت بیان شود. براساس شرع مقدس اسلام و به وسیله ادله‌ای مانند آیات، روایات، حکم عقل و فتوای فقها می‌توان به وضوح، حکم به عدم مداخله در زندگی زوجین داد مگر به قصد خیرخواهی و ولایت جد پدری. از آنجاکه هر حکمی استثنائاتی دارد و در فتاوی فقها نیز به چند مورد از استثناءها اشاره شده است در گام بعدی باید مواردی که در آنها دخالت جایز و یا ممنوع است، بیان شود. در صورت دخالت مثبت در موضوعاتی مانند نصیحت و خیرخواهی، امر به معروف و نهی از منکر، مشاوره و حکمیت، مادرشوهر می‌تواند در زندگی عروس ورود کند. دخالت منفی مادرشوهر در زندگی عروس شامل: تجسس، سوءظن، ایذاء و... است. بنابراین، با آگاهی از محدوده جواز و عدم جواز دخالت توسط مادرشوهر و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود روابط بین عروس و مادرشوهر تعامل در روابط آنها ایجاد می‌شود.

### فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات امیرالمؤمنین.
- ۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت، دار صار.
- ۲. ابویوسف، علی صادق (۱۹۹۲). القانون الدولی العام. الاسکندریه، منشاه المعارف.
- ۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷). فقه تربیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴. آذرتاش، آذرنوش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: نشر نی.
- ۵. بستانی، فوادافرام (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی. مترجم: مهیار، رضا. تهران: نشر اسلامی.
- ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵). غررالحکم و دررالحکم. مترجم: میرعلی‌اللهی، باقر. قم، دارالحدیث.
- ۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). الصحاح. مترجم: عطار، احمد بن عبدالقفور، لبنان: دارالعلم للعالمین.
- ۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل بیت علیهم‌السلام.
- ۹. خسروانیان، فاطمه (۱۳۹۲). پیش‌بینی رابطه عاطفی عروس و مادرشوهر براساس متغیرهای راهبردی مقابله‌ای هوش هیجانی و جرأت‌ورزی. شیراز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، <https://search.ricest.ac.ir>
- ۱۰. دشتی، سیدرضی (۱۳۹۲). نهج‌البلاغه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. تهران: پیام عدالت.
- ۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه دهخدا. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۱۲. دهنوی، سید محمد (۱۴۰۱). آزر و اذیت دیگران. قم: واحد پژوهش مجمع جهانی صدیقین علیهم‌السلام. <https://nidamat.Com>
- ۱۳. رادمش، مسلم (۱۳۹۵). مهارت‌های ارتباط موفق با مادرشوهر. تهران: رسانه تخصصی.
- ۱۴. راضب اصفهانی (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. بیروت، دارالعلم.

۱۵. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۴). بررسی روابط عروس و مادرشوهر. نشریه ره‌توشه، ۱۳۸، ۶۹-۸۴.
۱۶. شریعت‌مداری، جعفر (۱۳۷۵). شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی قدس رضوی.
۱۷. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۶). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی. تهران: سازمان سمت.
۱۸. شیرازی، سید محمد (بی‌تا). الفقه. بیروت: دارالعلوم.
۱۹. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹). دروس فی علم الاصول. قم: دارالصدر.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲). تفسیر المیزان. تهران: ناصرخسرو.
۲۱. طباطبایی حائری، علی (۱۳۶۶). الشرح الصغیر. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله نجفی.
۲۲. العاملی، الشیخ حسن بن زین‌الدین (۱۳۶۲). معالم الدین ملاذالمجتهدین. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکه‌گیل.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن محمد (۱۴۱۴). العین. تهران: اسوه.
۲۴. فرجاده محمدحسین (۱۳۷۲). آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق. بی‌جا: انتشارات منصوروی.
۲۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷). المحججه البیضاء. قم: مؤسسه النشر.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). اصول کافی. مترجم: مصطفوی، سید جواد. تهران: فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.
۲۸. محقق، صدیقه (۱۳۹۹). دخالت اطرافیان در زندگی زوجین؛ رویکرد فقهی. بنجمن کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی اجتماعی و سبک زندگی. [HTTPS://CIVILICA.COM/DOC/1147503](https://civilica.com/doc/1147503).
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۸۸). جایگاه حق خلوت در حقوق کیفری. قم: دانشگاه قم.
۳۱. موسوی بجنوردی، سید محمدکاظم (۱۳۶۷). دانشنامه جهان اسلام. بی‌جا: بی‌نا.
۳۲. همت‌بناری، علی (۱۳۸۳). نگرشی بر تعامل فقه و تربیت. قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی علیهم‌السلام.

